

# مهمترین دلایل مهاجرت کارشناسان IT به کشورهای خارجی (نسخه PDF)

اگر در زمینه فناوری اطلاعات فعالیت می کنید حتما به فکر مهاجرت از ایران و رفتن به یکی از کشورهای کانادا یا استرالیا افتاده اید . در این مقاله کوچک می خواهم به بررسی علل و عوامل تاثیر گذار بر روی این مسئله بپردازم ، در طی سالهای اخیر شمار افرادی که از طریق ویزای کار تخصصی به کشورهای خارجی مهاجرت کرده اند بسیار افزایش یافته است بطوریکه شما کسی را نمی شناسید که در زمینه تخصصی فناوری اطلاعات تجربه و مدارک بین المللی مناسب را داشته باشد و به فکر مهاجرت از ایران نباشد . البته همه اینطور نیستند شمار اندکی هم هستند که در ایران مانده و به فعالیت می پردازند که به آنها نیز خواهیم پرداخت . خوب به نظر شما این فرار مغزها ( شاید نخه نباشند ولی در سطح وسیعی در کشور تاثیر گذارند ) که نه تنها در زمینه فناوری اطلاعات بلکه در زمینه های تخصصی دیگر نیز بسیار شیوع پیدا کرده است ناشی از چه عامل یا عواملی است ؟ بنده به شخصه چندین دلیل مهم را که خودم با آنها روبرو شده ام را به شما معرفی خواهم کرد :

۱. تخصص در مقابل مدرک آکادمیک : تا کنون در بسیاری از سازمان های کشور به عنوان کارشناس یا مشاور مشغول به کار بوده ام و همیشه یک نکته جالب برایم وجود داشته است ، هنگامی که شخصی میخواهد در شرکت یا سازمان دولتی استخدام شود باید مدرک دانشگاهی داشته باشد هرچند که در آن زمینه هیچگونه تخصصی نداشته باشد ، بارها کسانی را دیده ام که پست های سازمانی و شرکتی مطرحی را صرفا به خاطر مدرک دانشگاهی خود بدست آورده اند ولی هیچگونه تخصصی ندارند و به همین دلیل پیشرفت سازمان را دچار مشکل خواهند کرد و در این حین کسانی که تخصص دارند در پشت درهای استخدام همیشه به دنبال پروژه و شرکت های خصوصی هستند تا بتوانند از تخصص خود استفاده کنند . حال فکر کنید که اکثر پروژه هایی که قرار است توسط سازمان ها انجام شود به شرکت های خصوصی اختصاص داده میشود و آنها نیز با بهره گیری از نیروهای متخصص با مدارک دانشگاهی پایین یا فاقد مدرک پروژه های را انجام میدهند و مبلغ ناچیزی نیز به متخصصان خود می دهند و این باعث آزردن شدن متخصصان می شود ، خود را جای کسی بگذارید که میبندد شخصی با مدرک دانشگاهی و بدون تخصص فرضا ماهیانه بدون هیچگونه فایده ۱ میلیون تومان دریافت می کند و خودش با چندین سال تخصص واقعی و کاربردی صرفا به عنوان یک متخصص با حقوق بسیار پایینتر مجبور به کار می شود ، در همین حین در یک کشور مانند استرالیا به تخصص وی بسیار ارزش قائل شده و حقوق واقعی چند هزار دلاری در ما به وی می پردازند ، خوب طبیعی خواهد بود که متخصص ما علاقه مند به مهاجرت از کشور شود .

۲. تخصص در مقابل مدرک بین المللی : برخی اوقات به عنوان متصدی استخدام در شرکتی مشغول بکار می شود و سوابق کاری بسیاری را که برای استخدام در شرکت ارسال میشود بررسی میکنم ، گاه به مواردی بر می خورم که شخص با ظاهر متخصص دارای مدارک بین المللی هست که خودم هم آنها را ندارم و در صورتیکه واقعا توانسته باشد این مدارک را دریافت کند می بایست بسیار مسلط به کار باشد ، از اینگونه افراد دعوت به مصاحبه مرکدم و جالب اینجاست بدانید برخی از این افراد حتی از شماره امتحانی که داده بودند خبر نداشتند و نمیدانستند سرفصل امتحانی چه بوده است !!!! اما نکته ای در کار است که آنها مدرک بین المللی دارند و اینگونه مدارک برای شرکت های خصوصی برای شرکت در مناقصات کاربرد و امتیاز محسوب می شود و اینگونه افراد باز هم حق افراد متخصص را خواهند خورد ! نکته دیگر که به اینگونه مدارک به گفته خودم Paper یا مدارک صرفا کاغذی اطلاع می شود و در ایران بسیار باب شده است .

۳. تخصص در مقابل پول و پارتی : خوب در این مورد دیگر نیازی به صحبت نیست ، هر که پارتیش بیشتر پولش بیشتر ، فامیل صاحب شرکت باش تخصص کیلو چند!!!!

۴. تخصص در مقابل درآمد و رفاه : درآمد ماهیانه یک کارشناس امنیت میکروسافت در کشوری مانند استرالیا در ماه در حدود ۵ تا ۷ هزار دلار است که معادل ۷ تا ۱۰ میلیون تومان است . در ایران کارشناس حرفه ای میکروسافت خیلی دریافتی داشته باشد ۱۵۰۰ دلار در ماه است . و سطح رفاه خیلی پایینی در ایران برایش وجود دارد . چند سال پیش فعالیت زیادی در تالار گفتمان تخصصی میکروسافت technet داشتم و در این حین با یکی از کارشناسان میکروسافت از طریق ایمیل آشنایی پیدا کردم ، از من سؤال کرد که " محمد چقدر حقوق تو ایران میگیری ؟ " گفتم در حدود ۱۰۰۰ دلار در ماه ، یک کم تعجب کرد و گفت ۱۰۰۰۰ دلار منظورت بود ؟ گفتم نه ۱۰۰۰ دلار !!! باور کنید داشت شاخ در میآورد ، خودش یکی از کارشناسی شرکت میکروسافت بود و فعالیتی که در تالار داشتم و سئوالاتی که جواب می دادم رو میدید ، بهم گفت یک نفر با تخصصی که تو داری اگر اینجا بود کمتر از ۱۰۰۰۰ دلار دریافتی نداشت ، تو چجوری زندگی می کنی ؟

۵. تخصص در مقابل سخت افزار : در ایران ارزش شما در ماه با ارزش یک قطعه سخت افزار است ، در اینجا نه افزار ، ارزش

است و سخت افزار با ارزش ، تخصص بی ارزش است و سخت افزار با ارزش ، یک سازمان حاضر است برای تامین امنیت فرضی خود میلیون ها تومان خرج خریداری انواع تجهیزات امنیتی کند ولی حاضر نیست شخصی را به عنوان مشاور امنیت به خدمت بگیرد و برای آن هزینه کند !!! بله ما ایرانیها عادت کرده ایم که هزینه را در مقابل چیزی کنیم که بتوانیم آنرا لمس کنیم !! یک نکته جالب به شما بگویم خالی از لطف نیست ، حتما قانون پارتو را شنیده اید : " ۸۰ درصد زمان ما به کارهایی پرداخته می شود که ۲۰ درصد منفعت ما در آنها است" به شخصه در اکثر سازمان هایی که به عنوان کارشناس و مشاور حضور داشته ام این موضوع را دیده ام ، ۸۰ درصد هزینه های امنیتی صرف خرید انواع فایروال و تجهیزات امنیتی حفاظتی می شود و این در حالی است که تنها ۲۰ درصد حملات و تهدیدات امنیتی مربوط به این قسمت از سازمان است . خوب در بیشتر کشورهای پیشرفته کاملا عکس این موضوع است ، تخصص حرف اول را می زند ، شما ممکن است یک دستگاه امنیتی ساده در اختیار داشته باشید ولی با دانشی که در اختیار دارید می توانید آنرا به بهترین شکل تنظیم کنید تا بیشترین بازده را داشته باشد ، خاطر هست که در سازمانی رفته بودم که برای استفاده از اینترنت ۳ نوع دستگاه امنیتی خریداری شده بود : Juniper ، Cisco ASA و یک UTM با برند Cyberoam و جالب اینکه ۲ دستگاه اول کاملا از مدار خارج بودند چون دانش استفاده از آنها در اختیار مدیران شبکه آن سازمان نبود و میلیون ها تومان بلا استفاده در گوشه ای از شبکه مانده بود.

۶. دریای علم و عمق کم در مقابل چاله علم با عمق زیاد : معنی ندارد که شما میکروسافت بلد باشید و سیسکو ندانید !!! لینوکس بلد باشید ویندوز ندانید !!! ویندوز بلد باشید و با فایروال یا UTM کار نکرده باشید !!! ویندوز بلد باشید و با فتوشاپ کار نکرده باشد !!! چطور مدیر شبکه ای هستید که Excel بلد نیستید ؟ مدیر امنیت سیستم های میکروسافت هستید و برنامه نویسی بلد نیستید ؟ بله این در ایران یک واقعیت محض است ، شما باید همه فن حریف باشید اگر می خواهید کار کنید ! به ندرت کسی را پیدا می کنید که صرفا در یک زمینه تخصص داشته باشد و با زمینه های دیگر کار نکرده باشد ، این وضعیت کاری کشور است باید همه فن حریف باشید !! همین باعث می شود که بشویم دریایی از علم که از همه چیز سر در می آورد و در حقیقت از هیچ چیز سر در نمی آورد !! بنده تخصص اصلی در زمینه امنیت سیستم های میکروسافت است و چندین سال در این زمینه فعالیت داشته ام و دوستان اکثرا با این سیستم عامل من را می شناسند ، اما مقتضای کار چیز دیگری است و شما مجبور هستید که در زمینه های مختلف کار کنید ، یکی از دوستانم در یک شرکت نفتی در کشور کویت کار می کرد و خاطره جالبی برایم تعریف کرد : قرار بود مدیر شبکه این شرکت نفتی نقشه شبکه را برای ما بکشد و ارائه دهد و این بحث چند روزی طول کشید !! اگر یک ایرانی بودیم انتظار داشتیم یا از فتوشاپ یا از یک نرم افزار تخصصی دیگر برای طراحی نقشه استفاده شود و وقتی با این صحنه مواجه شدم تعجب کردم ، مدیر شبکه با مداد رنگی نقشه شبکه را کشیده بود !!!! بله با مداد رنگی ، وقتی از او سؤال کردم گفت : من تخصصی در این زمینه ندارم ، ولی این فرد در زمینه شبکه یک شخص واقعا متبحر بود !! خوب در یک کشوری مثل کویت اینگونه تخصص گرایی می شود و در ایران شما باید همه چیز بدانید و هیچ چیز ندانید ، قضاوت با شما .

۲ سال پیش دعوتنامه ای از یک شرکت معتبر خارجی دریافت کردم که به عنوان کارشناس تخصصی میکروسافت آن هم صرفا در بحث سیستم عامل از بنده دعوت کرده بود ، با وجود همه این مشکلات فقط یک چیز است که بنده را در ایران نگه داشته است و شاید بسیاری از افراد این را باور نداشته باشند و نخواهند بپذیرند ، بعضی ها من را به خاطر این عقیده مسخره می کنند ولی این باور من است ، من در ایران درس خوانده ام ، در ایران رشد کرده ام ، در ایران به ثمر رسیده ام ، در ایران آموزش دیده ام ، خرابکاری هایم را در ایران انجام داده ام ، حال که وقت برداشت رسیده است و کلی تجربه بدست آورده ام ، آیا انصاف است که به کس دیگری سود برسانم ؟ اعتقاد قلبی من این است و مهم نیست دیگران در مورد چطور قضاوت کنند : " **چو ایران نباشد تن من مباد** " ، در ایران می مانم و ایران را هر چند ذره ذره می سازم. بی صبرانه منتظر نظرات شما دوستان هستم . حق یارتان .

نویسنده : محمد نصیری

منبع : جزیره تحصیلات آکادمیک وب سایت توسینسو

هرگونه نشر و کپی بدون ذکر منبع دارای اشکال اخلاقی است

پوریا خیرخواه

خوبه نظر هارو تا آخر خوندم ولی کاش شرایط کشور درست بشه که فکر نمیکنم بشه.

حسین احمدی

مقاله بسیار جالبی بود محمد، واقعا "حقیقت رو گفتی".



دوست دارم اگر این وب سایت حتی ۱ هزارم درصد میتونه این فرهنگ رو جا بندازه واسه کشورم خدمت کنم ، اگر قرار باشه همه به فکر آینده خودشون باشن دیگه ایران و ایرانی در آینده هیچ خواهد بود ... من از خودم شروع کردم .... در ایران میمانم و اگر قرار هست در این راهی که شروع کردیم قربانی بشیم تا فرهنگ کارمون جا بیوفته با کمال میل حاضرم قربانی این جریان بشم تا به یه جایی برسه ... هیچ جا وطن آدم نمیشه ...

network1۹۹۱

والا.. بنظر من تو ایران راحت میشه کارکرد و حتی راحت میشه پول درآورد..بخدا من دوستام رفتن و خلیپهاشون می گفتن که خیلی خیلی ادم رو اذیت میکنن و باید دوبرابر زحمت بکشی تا به پولت برسی ..تازه تو ایران افراد با استعداد تو زمینه IT خیلیا هستن و فک نکتم هیچ جای دنیا بیشتر از ایران IT داشته باشه..زنده باد ایران

فرهاد خانلری

با تشکر از مقاله بسیار جالبت که همگان رو تحت تاثیر قرار داد.

باید از خودمان شروع کنیم همانگونه که شما شروع کردی.

یه روزی یه بنده خدایی میگفت:

بچه که بودم می خواستم دنیا رو عوض کنم.....

یه کم که بزرگ شدم دیدم دنیا خیلی بزرگه! من از پشش بر نیمام

گفتم بذار کشورم رو درست کنم.....

بزرگتر که شدم دیدم نه! کشورمم خیلی بزرگه...

میان سال شدم گفتم شهرم رو عوض می کنم..... از پس شهرم که بر میام اونو درست کنم اما... نشد ... نتونستم اونم برام بزرگ بود

سرم که بالاتر رفت تصمیم گرفتم کوچمون رو سر رو سامون بدم و عوض کنم اما اونم نشد

پیر شدم .... گفتم خانوادم رو درست کنم..... اما...

الان دارم می میرم و تازه فهمیدم که ای کاش از اول خودم رو درست می کردم!

اگه خودمو درست میکردم همه اینا درست میشد.

اگه من خوب باشم تو خوب باشی کوچه ، شهر ، کشور...و حتی دنیا خوب می شه....

نذار فرصت خوب بودن رو از دنیا بگیریم!

از ماست که بر ماست.

فرهاد خانلری

یکی از دوستان من رفت آمریکا الانم تو مخابرات مسئول IT هست روزاری اول خیلی دوست داشت برگرده اما الان اصلاً دوست نداره از اونجا تکون بخوره

میگه اینجا همه چیز خوبه همه چیز نسبت به ایران گرونتره اما درآمد ها خوب .. بالا تره

میگفت اگه اینجا شغلته خیلی پایین باشه مثل طی کشیدن توی رستوران (خرجت با دخلت ) جور در میاد

میتونی خوب زندگی کنی و برای آخر ماهت پس انداز داری که بری تفریح...

بهبش احترام میذارن به خاطر سطح سوادش به خاطر علمش به خاطر انسان بودش

برای همین هم هست خیلی ها میزارن میرن مثل یکی از همکاریای خودم که سال پیش رفت گوگل و الان به بهترین شکل داره زندگی میکنه.

ایران هم همه چیز خوبه ها اما باید ۱۰ تا هندونه رو تو دستت داشته باشی و از هر کدوم کمی خورده باشی تا بتونی به جا کار کنی اما جاهای دیگه میگن به هندونه تو دستت باشه اما تا ته اونو خورده باشی .

به قول یکی از استادام اگه برنامه نویس باشی تو به شرکت باید خودت تحلیل کنی اا رو خودت انجام بدی کد نویسی با تو هست Data Base با خودته فرداش هم داری میایی سر کار بهت زنگ میزنن داری میایی سر راحت دو تا نون هم بگیر .  
صفر تا صد خودتی و خودت .

#### حجت رستمی

سلام مهندس مقالاتون خیلی حرفهای نگفته رو گفت

البته مهاجرت بد نیست به شرطی که برید و با تجربه بیشتر و تخصص بیشتر برگردید تا به کشورتون خدمت کنید .

یکی از دلایل مهم مهاجرت میتونه این باشه که متخصصین ما باید help desk برای یک سری دوستانه با پارتی زحمت کشیده باشند که چون چیزی بلد نیستند و صرفا مدارک دانشگاهی گرفتن بالاخره یکی باید کارهای اونها رو هم انجام بدن یا نه چون طفلی ها گناه دارن خیلی زحمت میکشند شما و من نمیدونیم.

#### مریم معراجی

تبریک میگم بابت این روح بزرگی که دارین....ایران نیاز به متخصصین امنیت داره....It در ایران واقعا فقیره...حداقل در استان ما...

#### هومن حیدری

آقای مهندس نصیری براتون آرزوی موفقیت میکنم و امیدوارم روزهای ایده آلی رو پیش رو داشته باشید.کشورمون به کسانی چون شما احتیاج داره،امیدوارم قدرتونو بدونن!

#### faezeh.mz

از اون حرفا بودا جناب وطن پرست.کی گفته تو ایران نباش ای بخای یه سیستم حقوقی ساده رو تو یه سازمان پیاده کنی که پنج سال طول میکشه

#### حامد

خدمت دوست عزیزمون برادر یونیتی عرض کنم که عالی بود!

من در موارد زیادی بسیار موافق صحبت‌هایی که کردی هستم، و یک مقداری هم نظراتی دارم که اینا رو تک تک و مورد به مورد مطرح میکنم . فقط این رو بگم که اینا حرفا جواب در مقابل حرف شما نیست. بلکه یک سری نظرات اضافی پیرامون بحثیه که مطرح کردی .....

مقدمه:

در تعریفِ کار ....

متاسفانه و متاسفانه در کشور ما فرهنگِ استفاده از آسانسور به جای پله بسیار بسیار جا افتاده! همه میخوان سریع به اون چیزی که میخوان برسن و دریغ از تلاش و قدم برداشتن. دریغ .....

و اینه که در حله اول ملتِ کار بکن نداریم، همه میخوان از زیر کار در برن، هیچی نمیخواند تلاش کنه، همه میخوان آسون برسن به

چیزی خوب، همه "راه اسون" رو به "راه درست" ترجیح میدن.

از همین انجمن اینجا کلی چیز دستمون میاد. چند بار دیدیم که یک استادی سر کلاس به تمرین یا پروژه‌ای رو مطرح کرده، هدفش هم این بود که طرف بره سرچ کردن یاد بگیره، تحقیق یاد بگیره، ولی طرف نه میذاره و نه برمیداره، میاد اینجا سوال استاد رو علم میکنه و منتظر که هلو رو براش پوست بکنن و ایشون زحمت، توی گلو کردنش رو بکشه.

این فرهنگ "کار نکردن" و "تلاش نکردن" اینقدر گیرا شده، که در اکثر قریب به اتفاق شرکت‌های دولتی می‌بینیم که چیزی به اسم کار کردن وجود نداره! به قولی یه عده رفتن اونجا نشستن، اوج کارشون اینه که کار رو برون‌سپاری (Outsource) کنن. و در اکثر موارد از بالا تا پایین جاهای دولتی، هیچکی دنبال این نیست که کاری انجام بده.

نتیجه اینکه نه اون سازمان علاقه داره که نیروی متخصص بگیره. و مهمتر از اون متخصص توی اون سازمان دووم نیاره!

یادمه یه جایی سولوشن VOIP مبتنی بر تلفن‌های CISCO پیاده سازی شده بود، بعد یه مدیر عوض شد و تا اومد گفت این تلفن‌ها رو بردارید! اینا سیاهه، دلگیره! از اون سفیدا بذارید که روحیه ملت باز بشه و دلگشون گرفته نشه!!!!

سوال: شمای متخصص اصلاً حاضری با یه همچین مدیری کار کنی؟! ماهی ۵۰۰۰ دلار هم بگیري! حاضری وقتت صرف سر و کله زدن و توجیه کردن همچین مدیرایی باشه?!!!

حالا از طرفی هستن سازمان‌های دولتی و اکثراً نیمه دولتی و بیشتر از اکثر خصوصی که الان مدیرهای خوش‌فکر دارن. اینا در به در دنبال نیروی متخصص می‌گردن، ولی پیدا نمیکنن!!

حالا برین سراغ بحث‌هایی که مطرح کرد:

### تخصص در مقابل مدرک آکادمیک

این مورد تا حدودی درست‌ه. اما یه مقدار زیادی هم باید به شرکت‌ها حق بدی که مدرک معتبر و مهمتر از اون، جایی که مدرک ارزش گرفته شده، رو بهش اهمیت بالا بدن.

متأسفانه توی این کشور ۲ دسته دانشگاه داریم؛ دانشگاه‌های کیفیت‌دار که عموماً دانشگاه‌های دولتی هستن، و دانشگاه‌های صرفاً مبتنی بر کمیت که باقی دانشگاه‌ها هستن. خواهشاً این موضوع به کسی بر نخوره، اما اکثر قریب به اتفاق خروجی دانشگاه‌های تیپ ۲، آدم‌های نابلد، تربیت علمی نشده، و بی‌سوادی هستن. اون معدود افراد خوبی که از اینا در میان، زایده کاری که دانشگاه روشن کرده، نیست، زایده تلاش و کوشش شخصی خودشونه. این رو آماری می‌گم.

مثلاً دانشگاه فلان در هر سال ۱۵۰۰ نفر لیسانس مهندسی نرم‌افزار می‌ده بیرون!! ۱۵۰۰ تا?!!! آخه از کجا?!! چطوری؟! توی چه فضای?!!! با چه امکانتی؟! با چه استادی؟! خب از این ۱۵۰۰ خداوکیلی خیلی تلاش کنی ۱۵۰ تا مهندس خوب در میاد بیرون. یعنی ۱۰%!! این آمار خیلی ترسناکیه! یعنی ۱۰ درصد خروجی این دانشگاه همیشه باهاشون کار کرد! این میشه که یه مقداری ترس بر شرکت‌های خوب غلبه میکنه و ترجیح میدن که از خروجی این دانشگاه‌ها نیرو نگیرن که خب واقعاً در حق اون ۱۰% خیلی خیلی اجحاف میشه. یعنی اینکه وقتی ریئس وقت دانشگاه آزاد چند سال پیش اعلام میکنه که ما توی این ۲۰ سال تلاشومن این بود که در وحله اول کمیت رو زیاد کنیم، انشالله کیفیت رو در سال‌های آینده بهش میرسیم!! من یه همکاری دارم که استاد دانشگاهه. بهش گفتم از این دانشجویهای خوبت یه چندتا رو انتخاب کن، بیار اینجا برامون کار کنه، بهم یه لبخند معنی‌دار زد و گفت، توی اینجایی که من هستم، هیچی نمیومده علم یاد بگیره، همه اومدن دانشگاه مدرکی بگیرن و برن!

نتیجه‌ش این میشه که بعضی جاها مدرک گرایی رخ بده! من حقیقتاً خیلی شرکت خصوصی و دولتی دیدم که صرفاً دنبال یک سری نیروی خروجی از دانشگاه‌ها و موسسات خوب هستن و شدیداً هم مدرک‌گرا هستن، وقتی هم میپرسی که بابا چرا، دلیلی که میاره همینه... میگن به دلیل آمار پایین خروجی این دانشگاه‌ها حوصله ریسک نداریم! و این میشه که خیلی از بچه‌ها که اتفاقاً آدم‌های خوب و قابل‌هستن و به قولی جزء اون ۱۰ درصد خوب هستن، این وسط فدا و فنا میشن

):

### تخصص در مقابل مدرک بین المللی

متأسفانه اینم دقیقاً بر میگرده به همون آسانسور بازی!

طرف پول میده میرن برایش امتحان میدن!

حالا به چیز بد دیگه‌ای هم هست که ملت بجای اینکه برن مطالعه کنن، میرن نمونه سوال میگیرن، حفظ میکنن و مدرک میگیرن! هر چند که این مدرک ها زود معلوم میشه که تقلبیه! ۱ سوال بکنی تهش درمیا!

### تخصص در مقابل پول و پارتی

اینم باز همون برمیدرده به همون فرهنگ کار نکردن! کسی که بخواد کار کنه، و هدفش از استخدام ، پیش رفتن اهداف کاری باشه، قطعاً بین نوه عمه نا بلدش و یه غریبه با سواد، معلومه کدومش رو باید انتخاب کنه....

### تخصص در مقابل سخت افزار تخصص در مقابل درآمد و رفاه دریای علم و عمق کم در مقابل چاله علم با عمق زیاد

این قضیه دریای کم عمق دانش و اینا مختص ایران نیست

من خیلی دوست و رفیق اینور اونور دارم و تقریباً همه جا اینجوریه

این نوع شغل و شرکت‌ها هستن که تعیین کننده این قضیه هستن. هر چی شرکت کوچیکتر باشه، میزان چیزایی که یک نیروی آیتی باید بلد باشه و ارزش سر در بیاره، بیشتره، هر چه شرکت بزرگتر باشه و تیم آیتی بزرگتر باشه، کارا تخصصی‌تر میشه.

حالا توی کشور ما چون تقریباً یک کشور در حال توسعه حساب میشه، هنوز شرکت‌ها اینقدر بزرگ نشدن که نیاز به تیم‌های بزرگ IT داشته باشن و کار رو با یکی دو نفر جمع می‌کنن. ولی هر چی یک کشور بزرگتر و صنعتی‌تر میشه، نیاز به IT برای تسریع کارها و بزرگتر شدن، بیشتر میشه. توی این حالت که متخصص‌های IT به نوعی کارشون تک قطبی می‌شه و نیاز به این ۱۰۰ تا چیز رو همزمان بلد باشن، نیست و توی یک فیلد متخصص و عمق میشن.

حالا این قضیه‌ی بزرگ‌شدن شرکت‌ها، به شرایط اقتصادی یک کشور ارتباط مستقیم داره. برای اینکه یک شرکت بزرگ بشه، و با بزرگ‌تر شدنش نیاز به تخصص بیشتر آیتی و بالا بردن درآمد اونا بره جلو، نیاز به پایداری شرایط اقتصادی هستش. الان به دلیلی که کشور توی چند سال اخیر چنان از لحاظ اقتصادی ضربه خورده، که این توان رو از شرکت‌ها برای بزرگ شدن گرفته. تنها شرکت‌هایی که کار بازرگانی می‌کنن میتونن بزرگ بشن و باقی جاها همچین توانمندی رو ندارن و درصد قابل توجهی از شرکت‌ها توی چند سال زمین خوردن. قضیه سخت افزار در مقابل نرم‌افزار هم یک دیدگاهه که توی مدت زمان و با رشد شرکت‌ها درست میشه.

نتیجه میشه اینکه شرایط کاری برای ITکار های توی ایران سخته و توی کشورهای توسعه یافته آسونه و این میشه که شما میگی! فرار متخصص‌ها !!!

باز هم ممنونم به خاطر بحثی که شروع کردی ....!

محمد نصیری

MHK عزیز عالی بود از صحبت هات واقعا لذت بردم ، لطفاً به نگاهی به تاریخ ایجاد این مقاله و بحث بنده حدود ۲۷ ماه پیش هست یعنی تقریباً روزهای اولیه کار ITPRO از همون روزهای اول اعتقاد این بوده که درسته همه این مسائل وجود داره و باید گفته بشه اما ما نباید ناامید بشیم ، به نظرم هر کسی در اندازه خودش بتونه کاری بکنه همه این مسائل درست میشه ، ما نمیگیریم کار بزرگی کردیم و ادعایی داریم چون خدا خواسته تا به اینجا رسیدیم ، فرهنگ سازی تو IT رو میخایم جا بندازیم ، باید یاد بگیریم یه خورده به فکر پیشرفت کشورمون هم باید باشیم ما مسئولیم.

یکی از دوستان در دو تا پست قبلی من احساس میکنم با طعنه به من گفتن وطن پرست ، من ادعای وطن پرستی ندارم اما کشورم رو دوست دارم و تا جاییکه حداقل خودم میتونم درستش میکنم کاری ندارم دیگران مسخره می کنن یا بهم توهین میکنم ، باور دارم میشه و میتونیم تغییر ایجاد کنیم ، خدا شاهد هست که تو این مدت فعالیت وب سایت اینقدر حرف شنیدم ، اینقدر مسخره شدم ، اینقدر توهین شنیدم که نگو و نپرس و چقدر باهام مقابله شد از تهدید گرفته تا مسائل قانونی و .... برای چی ؟ چون با اینکارم کار یه عده سودجو در حال خراب شدن ... این نشون میده هدف درستی رو داریم دنبال می کنیم ، امیدوارم حداقل افرادی که از این وب سایت استفاده کردن در حد خودشون موثر و مفید باشن ... درسته با یک گل بهار نمیشه اما ما فعلا داریم مزرعه گلومون رو گسترش میدیم که با یک گل شروع شده ... من هیچ انتظاری از کاربرای وب سایتمون ندارم چون قانون ما میگه نباید از کسی انتظار داشته

باشیم ، فقط یک چیز هست که همیشه باعث انرژی ما میشه و اون دعای خیر شما دوستانه که باور دارم تو زندگی مدیرای سایت حسابی تاثیر داشته ... خدایا شکر کمک کن ادامه بدیم راهمونو .... یا علی

محمد نصیری

قطعا این طی این ۵ سال و اتفاقاتی که برامون رخ داده شکل گرفته و یکباره نیست.

محمد رضا احمدی

امیدوارم هر جا هستین موفق باشین

زهرا تقی پور

سلام آقای نصیری

بخشی از مقالاتو خوندم اما چیزی که می خوام بگم صرفا مربوط به قسمت آخرشه.

حرفت در رابطه با موندن در ایران و دلالت رو کاملا قبول دارم. اما به عنوان یه دانش آموز دبیرستانی واقعا حرص می خورم که این مشکلاتی که شما هم گفتی باعث میشه که نخبگان کشور سراغ چنین رشته هایی نمیرن.

الان همه دنبال رشته های پر درآمدی مث پزشکی و دندون پزشکی.

بهترین و بااستعداد ترین دانش آموزا هم رویایی جز پزشکی و ... ندارن. و به اون ها هم حق می دم به هر حال در آمد یکی از اصلی ترین فاکتور ها در انتخاب شغله. اما آخه چرا مثلا یه مهندس IT با این همه توانایی مث شما این قد درآمدش پایینه؟

چرا در ایران به چنین رشته هایی بها داده نمیشه؟

آقا مگه فقط پزشک جماعت زحمت میکشه مهندسا از جمله افرادی هستن که تو پیشرفت کشور بسیار بسیار نقش دارن، اما واقعا به نظرم بهشون کم لطفی میشه.

ولی رفتن از ایران هم منطقا چیزی رو درس نمیکنه برا کسی که پیشرفت کشورش براش مهم باشه. من که تو بازارکار و چند و چون ماجرا نیستم اما فک می کنم اگه اوضاع قرار بهتر بشه

خود مهندسان باید کاری کنن هم برای پیشرفت کشور هم برای رفاه بیشتر خودشون.

با این حال آقای نصیری امیدوارم تو هم همیشه این عقیدتو حفظ کنی هر چند که معلومه عمیقا به ماندن در کشور برای پیشرفت و تغییر اوضاع ایمان داری.

من دانش آموز رشته ریاضیم با خوندن مطالب این سایت و مقاله تو مصمم شدم رشته آی تی رو برای آیندم انتخاب کنم.

برام دعا کن منم یکی از درجه یکای این رشته بشم.

احسان زیبایی

باسلام خدمت همه عزیزان و سروران بزرگ دنیای IT در ایران

بارها و بارها نوشته های خیلی خوب و مفیدی در زمینه کاری و حوضه IT از نیروهای تخصصی این زمینه از گوشه کنار این خاک رو خوندم ولی بزرگترین ضعف ما ایرانی ها در سبک کاری چ در شرکت های بزرگ چه در شرکت های کوچک هستش اینکه همیشه دنبال لوقمه آماده هستیم .

برای مثال بنده از سال ۸۲ در حوضه کامپیوتر و شبکه فعالیت نچندان تخصصی داشته ام که باتوجه جو بازار در سال ۸۹ جذب بازار کار شدم و بعد از اون تقریبا نزدیک به ۱۰ تا ۱۵ شرکت بزرگ و کوچک خصوصی و دولتی کار کردم متاسفانه اما برای پرورش و تولید نیروی متخصص و کارآزموده در هیچ شرکتی تلاش نمی شود و واقعا جو شکننده ای وجود دارد .



حالا اگه بعنوان یک جوان ایرانی که علاقه ب این حوضه داشته باشید تو دانشگاه که هیچی دپارتمان ها که هیچی بدون فضای مناسب کاری و بدون پول و امکانات بقول شما همون ۱۰% هم طف میشن .پس باید در کنار فرهنگ سازی زیر ساخته های لازمه هم بوجود بیاد که باعث رشد و نموو نیرو متخصص می شود و بازهم جای تاسف وجود دارد آن هم بدلیل اینکه آقایان بالا دست در این مملکت هیچ گونه سوادیی برای توسعه این مملکت ندارند ...

بله این است معضلات نیروهای متخصص ک پای ب فرار از این مملکت میگزاردند نه ک عشق و انصاف در دلشان نیست بلکه حقشان را پایمال می کنند

درآخر باید گفت که تنها جایی که حوضه IT با افسردگی و ناامید فعالانش خواهد شد ایران عزیزمان است .

## زهرا تقی پور

من به کسانی که با مشکلات زیاد در کشور می مونن احترام می زارم اما به کسانی که می رن هم کاملا حق می دم.

یادمه یه روز سر کلاس دبیرامون گفت: متاسفانه نخبه های ما تا به به جایی می رسن از کشور می رن.

من و یه سری دیگه حرفشو قبول نکردیم،گفتش:مگه فک می کنید مثلا- ژاپنی ها چه طور پیشرفت کردن؟ جز اینکه نخبگانشون درخواست کشورهای دیگه رو رد کردن،موندن کشورشونو آباد کنن.

ژاپنی ها همه خواستند پیشرفت کنند سوال من این جاست:

مسئولین ما هم می خوان؟ فک نکنم

همه مردم می خوان؟کسانی رو می بینم که هیچ کار دیگه ای جز تولید کربن دی اکسید بلد نیستن و فقط غر می زنن،یه عده به غر زدن عادت کردن کلا.

واقعا باید قبول کنیم گاهی دغدغه متخصصا و نخبه ها پول و درآمد نیس.

بزرگ ترین درد اینه که ایده های بزرگی تو سرت داشته باشی و براش تا میتونی تلاش کنی اما هر جا می ری یه سنگی جلو پات میندازن و هیچ کس تو رو نمی فهمه،خصوصا اون مسئولی که باید بفهمه و متاسفانه...

به نظر من آدم اگه در سخت ترین شرایط بدونه واقعا این تمام چیزیه که ممکنه می تونه تحمل کنه،اما وقتی می دونی می تونه خیلی بهتر از این باشه ولی کوتاهی میشه،حق خوری میشه... تحملش سخته و در کشور ما این طوره متاسفانه!!

## نوید یحیی پور

بهترین کار رو می کنید، منم سربازیم تموم شه امتحان CCIE میدم بعد... خلاص

اینم نتایجش: تضمین شغلی، ارزش به تخصص، درآمد ۵۰ برابر ایران، امید به رسیدن به درجات بالاتر شغلی، انگیزه واسه یادگیری تخصص بیشتر

نزدیک ۲ ساله که هر روز ۶ ساعت یا بیشتر مطالعه در مورد شبکه و امنیت شبکه و مجازی سازی و زبان انگلیسی دارم، بدون حتی ۱ روز استراحت، دارم میرم خدمت سربازی، به مسئولین عزیز میگم: به خدا تخصص من تو شبکه زیاده یه کاری کنید تو سربازی واستون تو زمینه شبکه رایگان کار کنم! پاسخ مسئول: نیازی به تخصص نیست تو همین بیا وقتتو تلف کن و سربازیتو تموم کن

من: لبخند زیبایی می زنم و ساکت میشم

## مرتضی امیدیان

مقاله بسیار عالی بود

فکر می کنم همه این مسائل برمیگرده به خودمون و ما تا از خودمون شروع نکنیم نمیتونیم چیزی رو درست کنیم

بزرگترین تخصص تمام این فضاها شرایط خراب ساخته و در نهایت با خواست تماشاگرانش

پیدا کردن تخصص نو این صص و سرایبه حیوی سخته وی مصمص حواسن نواسن سسس.

از شما آقای نصیری تشکر ویژه دارم هم بابت راه اندازی این سایت و هم اینکه به فکر پیشرفت کشورمون هستید و با خیلی از آدمای دیگه که فقط شعار میدن فرق اساسی دارید و اون هم اینه که قبل از حرف عمل کردید

نگین فاتحی

من این مقاله رو حدودا ۲ ماهه پیش خوندم و الان برحسب History مرورگرم، مجددا اومدم که فقط همین کامنت رو بذارم (و سوالم رو بپرسم):

شنیدم که میخواین از ایران برین (یکی از دوستان نزدیکتون توی همین وبسایت این موضوع رو گفتن، طی مقاله‌ای که راجب سخنرانی شما توی همایشی گذاشته بودن)

همین واسم سوال شد که اینقدر واستون اوضاع سخت شد که میخواین برین؟ اینقدی که همین حرفای خودتون رو میخواین نقض کنین؟

و اگر شما برین، آیا بازم توی itpro فعالیت میکنین؟

شما بنیانگذار این وبسایت بودین، من همیشه طی چندین جستجو به جواب سوالم میرسیدم. درحالیکه با شکل‌گیری itpro، همیشه جواب سوالم رو از متخصصین حوزه‌ی مربوطه میگیرم.

محمد نصیری

من کاملا این مقاله رو نقض می کنم و از همینجا اعلام می کنم که اینجا جای ماندن نیست ، بروید ، مسئولین نمیخان نخبه در کشور باشه خیالتون از این بابت مطمئن باشه چون تو این کشور کسی نباید فکر کنه و کسیکه درست فکر کنه رو میخان خراب کنن .. برید عزیزان من برید از این مملکت اگر می تونید و معطل نکنید از من متعصب تر کسی فکر نمی کنم باشه که با این سطح سواد موندم تا بسازم ولی پدرمو درآوردن ... بگذریم ... این مقاله رو کاملا نقض می کنم و اعلام می کنم که اشتباه کردم از نوشتن چنین مقاله ای ...

محمد نصیری

ITPRO هست و به کارش ادامه میده ، مطمئن باشید اگر اینقدر به ما در ایران فشار و افترا و ... و سنگ اندازی نمی کردن میموندیم ، استارت آپ جدیدی رو داریم روش کار می کنیم ، قطعا فقط موقعیت فیزیکی ما تغییر می کنه و همچنان به سرویس دهی به ایرانی ها ادامه میدیم و ITPRO با قدرت بیشتری جلو میره اما خوب اتفاقاتی قرار هست بیوفته ...

masi۵۹

سلام ممنون از همه زحمت هاتون

نوید یحیی پور

واقعا عالی بود

امید مرادپور

بسیار عالی

حرف دل همه رو زدی همه میخوان کشورشون رو اباد کنن اما اگر بعضی ها بزارن

چند وقت پیش دوستم رفته بود یه شرکتی برای کار اموزی شرکتش رو یادم نیست اما چیزی برام گفت که هیچ وقت یادم نمیره

توی شرکت اون یه روز انتقالی گرفتن برای رفتن به یه ساختمون دیگه بعد قرار شد که اون ساختمون رو شبکه کنن و اونجا مشغول شن اما متخصص ایتی اونجا که همه مهندس مهندس بهش میگفتن مٹ بلانسبت .... تو گل گیر کرده بود بلد نبود یه کابل شبکه پانچ

کنه جالبی نار اینجا بود که رفت یه نفر رو آورد توی یه روز از صبح تا عصری همه دارای اوننو انجام داد ا که گفتین طرف کی بود؟؟  
ابداری شرکت!

طرف فقط یه مدرک کارشناسی کامپیوتر داشت اما در حد یه مدرک سیسکو و اینا از شبکه حالیش میشد اینه تفاوت علم ایرانو خارج  
طرف بیخاصیت میاد از یه متخصص بیشرینبهره رو میبره و این روند پایانی نداره.

محمد رضا احمدی

من بعد حدودا چندسال دارم این مقاله رو میخونم و اولش خیلی لذت بردم از این ذوق شما و با تموم پیشنهاد هایی که بهتون دادن  
بازم ایران رو انتخاب کردین، فهمیدم بازم جای امیدی هست که یه نفر در سطح دانش شما اینجا موندینه ولی کم کم که اومدم پایین  
دیدم سال به سال از این ذوق موندن داره کمتر میشه تا کامنت اخر که دیگه کلا همه چی رو نقض کردین  
فقط متوجه نشدم کامنت بالا رو به طعنه به دوست عزیز ی که کامنت گذاشته بود گفتین یا دیگه بعد این سالها به نتیجه رسیدن که  
برین؟

مطلب اصلی